

مَجَلَّةُ اَرْمَغَانِ

تاسیس بهمن ماه ۱۳۹۸ شمسی

(نقد شاعر)

چون ادبا و شعرای عرب و عجم را در این موضوع که آیا اشعر شعرا کیست؟ عقیده مختلف و سلیقه متفاوت است و از میان اختلافات میتوان استخراج يك اتفاقى نموده و اشعر شعرا را معلوم کرد.

این است که ما بنقل اقوال مختلفه پرداخته و در نتیجه اشعر شعرا را از عرب و عجم بقرائین محترم معرفی مینمائیم.

اشعر شعراى عرب کیست؟

اصمعی گوید:

اشعر شعراى عرب امرؤ القیس است زیرا هیچ مجلس و محفل ادبی نیست مگر اینکه اگر پنج نفرند چهار نفر آنها و اگر چهار نفرند سه نفر آنها امرؤ القیس را بر تمام شعرا مقدم میدارند.

عمر رضی الله عنه در پاسخ ابن عباس گوید:

اشعر شعراى عرب زهیر است زیرا معاضله در کلام او نیست

و تابع الفاظ وحشیه نمیشود و مردان را بصفتی که درخور مردان است میستاید .

معاظله در لغت پیوند کردن دو کلام است بیکدیگر و در اینجا ظاهراً مقصود آن است که دو مصراع از یک بیت را بواسطه یک کلمه بهم پیوند کنند چنانچه نصف آن کلمه ضمیمه مصراع اول شود و نصف آن ضمیمه مصراع ثانی و اینکار مخصوص شعرای عرب است نه عجم مانند این دو بیت بختری .

واری الخلق مجمعین علی فضلك من بین سید و مسود
عرف العالمون فضلك بالعلم و قال الجهال بالستقلید
و ممکن است که مقصود از معاظله پیوند کردن معنوی دو کلام باشد بیکدیگر که چندین بیت در یک موضوع بهم مربوط باشد زیرا در غزل و تشبیب بلکه در کلیه اشعار این عمل از حسن سخن میکاهد و بر عجز شاعر گواهی میدهد .

الفاظ وحشیه عبارت از کلماتی است که مانوس با استعمال ادبا و شعرا نباشد و شنونده محتاج بفحص در کتب لغت یا توحیه گردد تمام قصصا و بلغا متفق هستند که استعمال این گونه کلمات مخالف فصاحت و معخل بلاغت است ولی در عصر حاضر یکنفر که خودش را ادیب و فاضل معرفی کرده صنعت او در شعر فقط این است که الفاظ متروکه و مهجوره را از کتب لغت استخراج کرده و اشعار خود را بآنها زینت دهد .
عمر رضی الله عنه در قسمت آخر از کلام خود یعنی این

عبارت (و مردان را بصفتی که در خور مردانست می ستاید) روح شاعری و علت حسن شعر را بیان کرده و چنانکه ابن سلام میگوید تعریفی برای شعر خوب جامع تر از این بیت نیست

شعرا و اساتید بزرگ شاعرا بصفات شاهانه و پهلوان را به محاسن پهلوانی و محبوب را به جامد دلبری میستایند . ولی غالباً شعرای کنونی را دیده ایم که معشوقه را صفات در خور عشاق بلکه آهو را بعبادات شایسته گرك توصیف و تعریف مینمایند چنانچه یکی از شعرای بلند دعوی کنونی ا

در يك رباعی که (ادوارد برون) انگلیسی را مدح کرده او را بزیبائی صورت که در خور زنانست میستاید و البته اگر معشوقه خود را این شاعر مدح کند بصفات در خور فلاسفه مدح خواهد نمود این رباعی در نمرات سابقه ارمغان درج است و اینجا از تجدید ذکر صرف نظر مینمائیم .

ابوبکر رضی الله عنه گوید : *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

اشعر شعرای عرب نابغه است زیرا شعر او بهترین اشعار و بحر او گواراترین بحر هاست و فهم اشعار او محتاج بغور و تأمل نیست .

آری انتخاب بحر خوب که عارف و عامی پسندند از شاهکار های شاعری است و یکی از علل اشتهاار شیخ بزرگوار (سدی) انتخاب بحر گواراست بخلاف حکیم ناصر خسرو که انتخاب بحر ناگوار اشعار تمام عیار او را مانع از اشتهاار گردید .

ابوعمر و گوید :

نابغه ذیانی در قدرت طبع و نقش و نگار سخن و نیکو یافتن

آن بعد از امرؤالقیس بر تمام شعرای عرب مقدم است :

معاویه گوید :

(الاعشى صناجة العرب) یعنی اعشى در طرب انگیزی چنگ

زن و نغمه نواز عرب است و همین گفته معاویه اعشى را (صناجة العرب)

معروف گردانیده .

ادیبی در مقام تفاوت بین فرزندق و جریر گوید :

جریر از دریا مشت مشت بر میدارد و فرزندق از کوه قطعه

قطعه می تراشد کنایه از اینکه شعر جریر بگوارائی آب است و

طبع او چون دریا و شعر فرزندق با استحکام و متانت سنگ است و

طبع او مانند کوه .

صاحب اغانی گوید :

شخصی از جریر سؤال کرد که اشعر شعرای عرب کیست ؟

جریر او را بخانه پدر خود (عطیه) سوق داد در وقتیکه عطیه بزى

را خوابانیده و از پستانش شیر میمکید . پس جریر پدر را خواند

و پیش آمد در حالتیکه شیر بز بر ریش سفیدش سیلان داشت ؟

آنکاه گفت ای مرد این عطیه پدر من است که بعد از پیری

هنوز از پستان بز شیر میمکد تا مبادا اگر بدست بدوشد مردم

صدای دوشیدن را شنیده از او شیر بخوانند .

ای مرد اشعر شعرای عرب کسی است که با چنین پدر درمیدان

مبارزه هشتاد شاعر را مغلوب و منکوب کند .

در بین شعرای تابعین که بعد از اسلام ظهور کرده‌اند ابوطیب (متنبی) را اغلب ادبا بر دیگران مقدم دانسته‌اند .

چنانکه (ابوالعلائی معری) که امروز بنام فیلسوف شرق معروف شده در عظمت و بلندی مقام شاعری متنبی متعصب بوده و بهمین سبب روزی در مجلس (سید مرتضی) حاضر بود که ذکر متنبی بمیان آمد و مرتضی برخلاف عظمت و تقدم متنبی سخن راند ابوالعلا گفت : همین يك مصرع از اشعار متنبی (لك يا منازل في - القلوب منازل) اگر شعر دیگر نداشت بر تقدم و عظمت او کفایت میکرد . مرتضی در غضب شد و امر داد تا غلامان ابوالعلا را از مجلس بیرون کشیدند .

پس روی بحضار کرده گفت : آیا دانستید مقصود ابو العلا چه بود ؟ گفتند نه گفت : ابوالعلا از زبان متنبی بمن دشنام داد و مقصودش از این مصرع القاء بیت آخر قصیده است که متنبی می گوید :

و اذا اتتك مذمتی من ناقص

فهي الدهاة لى بانى ككامل

نظیر این واقعه نیز قضیه (سری الوفا) شاعر معروف و مداح سیف الدوله ممدوح متنبی است که روزی سیف الدوله در مدح اشعار متنبی مبالغه میکرد (سری الوفا) عرضه داشت : ایها الامیر یکی از قصاید خوب متنبی را بمن معرفی فرما تا معارضه و استقبال